گفت‌وگو

در گفت‌وگو با صادق ملکی عنوان شد

چالش‌های ایران و آمریکا به روزهای آخر خود نزدیک شده است

شرق: صادق ملکی باور دارد که تفاوت چندان عمیقی میان کاملا هریس و دونالد ترامپ برای ایران وجود ندارد، چراکه به باور دیپلمات پیشین جمهوری اسلامی، اصولا دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان با یکدیگر اختلافات استراتژیک نداشته و تفاوت در تاکتیک‌های به کار گرفته‌شده است. از منظر تحلیلگر ارشد حوزه بین‌الملل اگرچه نتایج انتخابات آمریکا برای جهان اهمیت دارد، اما این اهمیت برای ایران مضاعف می‌شود و به گفته او باید به این سؤال پاسخ داد «چرا باید انتخابات آمریکا برای تهران آن‌قدر مهم باشد که در همه ابعاد سیاسی و اقتصادی ایران تأثیرگذار شود؟!». آنچه در ادامه می‌خوانید، ماحصل گپ‌وگفت با صادق ملکی درباره تأثیر انتخابات آمریکا بر آینده سیاست خاجی ایران است.

●●●

شما تا چه حد با این پیش‌فرض همراه هستید که پیروزی کاملا هریس وضعیت مطلوب‌تری را برای سیاست خارجی دولت چهاردهم، ذیل شعار آغاز مذاکره با غرب، لغو تحریم‌ها و بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی رقم خواهد زد و در مقابل، آیا به باور طیفی، بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید، می‌تواند به تشدید تنش تهران-واشنگتن منجر شود؟

تفاوت چندان عمیقی میان این دو گزینه انتخاباتی آمریکا برای ایران وجود ندارد. اصولا دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان با یکدیگر، اختلافات استراتژیک نداشته و تفاوت در تاکتیک‌های به کار گرفته‌شده است. در ایران کسانی که روی این تفاوت‌ها مانور داده و سیاست‌گذاری می‌کنند، به نوعی خودفریبی کرده و با این تحلیل، تغییرات اساسی در ایران را به تأخیر می‌اندازند. نتایج انتخابات آمریکا اگر برای جهان اهمیت دارد، این اهمیت برای ایران مضاعف می‌شود و باید به این سؤال

پاسخ داد که چرا باید انتخابات آمریکا برای تهران آن‌قدر مهم باشد که در همه ابعاد سیاسی و اقتصادی ایران تأثیرگذار شود؟! اگر ما از سردرگمی استراتژیکی که سال‌هاست دچار آن هستیم، درآمده و سیاست‌ها را براساس منافع ملی مبتنی بر تعامل با نظام بین‌الملل و منطقه تنظیم کنیم، کمتر دلخوش به هریس یا نگران ترامپ می‌شویم. راه و مسیر رفته شکست‌خورده باید اصلاح شود و بازدارندگی را، نه به عامل بیرونی، بلکه در تعامل با داخل و سیاست خارجی نرمال یافته و مسیر اجرای آن را فراهم کنیم. توجه داشته باشیم که تحولات و فجایع در لبنان و غزه در زمان بایدن رخ داده است و نباید در ایجاد تغییرات اجتناب‌ناپذیر در ایران در انتظار نتایج انتخابات آمریکا ماند.

آیا در یک نگاه بدبینانه، پیروزی نامزد جمهوری‌خواهان برای تهران تهدید خواهد بود یا ترامپ و تهران با تجربه و شناختی که از چهار سال دولت قبلی او (ترامپ) پیدا کرده‌اند، می‌توانند بهتر از بازه زمانی ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ به مدیریت و کنترل معادلات روابط ایران و آمریکا ورود کنند؟

ترامپ اگر انتخاب شود، بعید است که سیاست‌هایش مانند گذشته باشد، باوجوداین به نظر می‌رسد که انتخاب او حداقل در بازار مالی ایران اثرات منفی خواهد گذاشت.

با نگاهی به آرایش سیاسی داخلی در ایران، ذیل صورت پیروزی هریک از دو نامزد دموکرات یا جمهوری‌خواه، سیاست خارجی دولت چهاردهم باید چه برنامه‌ای را برای آغاز مذاکرات با آمریکا در دستور کار قرار دهد و به باورتان آرایش سیاسی فعلی ایران و بازیگری رادیکال‌ها در میانه جنگ با اسرائیل اجازه آغاز هرگونه مذاکره‌ای، چه با هریس و چه با ترامپ را می‌دهد؟

هرکس وارد کاخ سفید شود، در ارتباط با ایران می‌توان گفت بحران و چالش‌های میان ایران و آمریکا به روزهای آخر خود نزدیک شده است. این بحران حتی اگر رو به تصاعد باشد، دیر یا زود به مذاکرات پنهان و آشکار منجر خواهد شد. آمریکا با هوشیاری دارد مهم‌ترین مسئله خاورمیانه را که مسئله فلسطین است، حل‌وفصل می‌کند. برخی نیز بدون درک پیچیدگی‌های چندوجهی بازی سیاست، به بازی گرفته می‌شوند. اینکه اسرائیل و ایران حملات خود علیه یکدیگر را با اطلاع و هماهنگی آمریکا انجام می‌دهند، باید قابل تعمق باشد. آمریکا باید هرچه زودتر با فارغ‌شدن از دغدغه‌های خاورمیانه به چین و شرق آسیا بپردازد که کارزار اصلی آنجاست.

دولت پزشکیان چراغ سبز برای تنش‌زدایی با آمریکا را دارد یا او هم در میانه راه مذاکرات سرنوشتی بهتر از روحانی نخواهد داشت؟

مذاکرات پنهان و آشکار با آمریکا در دایره قدرت روحانی یا پزشکیان نبوده و نیست. این مذاکرات هم در گذشته و هم در حال و آینده، امری حاکمیتی و تصمیم نظام است. همان‌گونه که پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ و در برجام تصمیم‌سازی در رأس هرم انجام شد، بنابراین مذاکرات احتمالی دولت پزشکیان نیز تصمیم کلیت نظام خواهد بود. تحولات یک سال گذشته درباره صدمات وارده به جبهه مقاومت ظاهرا این مذاکرات را اجتناب‌ناپذیر کرده است. درباره آقای پزشکیان نیز باید گفت دیدگاه، جنس، تفکر و عملکرد ایشان با آقای روحانی تفاوت داشته و اگر تصمیم‌سازی درباره مذاکره با آمریکا نهایی شده باشد، دولت پزشکیان چندان با مانع مواجه نخواهد شد.

تهران در صورت پیروزی هرکدام از دو نامزد ریاست‌جمهوری آمریکا، می‌تواند همکاری‌هایی را با واشنگتن برای برون‌رفت از وضعیت کنونی در خاورمیانه پی بگیرد؟

همکاری و هماهنگی میان ایران و آمریکا در جریان سقوط طالبان و صدام مسبوق به سابقه است. این امر در تحولات پیش‌رو می‌تواند تکرار شود ولی ابتدا باید روابط به ریل عادی‌سازی سوق یابد.

آن‌گونه که برخی معتقدند، پیش‌نیاز هرگونه مذاکره‌ای، چه در صورت پیروزی هریس و چه در صورت پیروزی ترامپ ناظر به بهبود مناسبات تهران با قاره سبز است. در چنین فضای سردی درباره روابط ایران و اروپا، می‌توان مذاکرات مستقلی را با آمریکا کلید زد یا مذاکره با اروپا، پیش‌شرط یا پیش‌نیاز هر مذاکره‌ای با آمریکاست؟

قاره سبز خود در سیاست کلان روی به واشنگتن دارد. اگر روابط ایران و آمریکا علائم بهبود و عادی‌سازی را نشان دهند، همه ازجمله قاره سبز نیز تنظیم خواهند شد. نکته آنکه با وجود فرازونشیب‌ها و بحران‌های مختلف میان تهران و واشنگتن آمریکا تاکنون به دنبال یک ایران ضعیف نبوده و بیشتر متمرکز بر تغییر رفتار تهران بوده است. آمریکا در پی تغییرات معادلات ژئوپلیتیک در خاورمیانه نبوده و ثبات در خاورمیانه را عامل توازن در این بخش از جهان می‌داند. یک ایران ضعیف، به معنای واگذارکردن خاورمیانه به ترکیه یا عربستان است که این چندان مطلوب آمریکا و ثبات پایدار در خاورمیانه نخواهد بود. لازمه توازن استراتژیک در خاورمیانه تداوم موازنه میان قدرت‌های منطقه‌ای در خاورمیانه است که یک رأس مهم آن ایران است و آمریکا به آن تا به امروز پایبند بوده است. در کنار این موضوع توجه داشته باشید که برخلاف سیاست‌های دولت‌ها در خاورمیانه، بخش مهمی از بدنه اجتماعی بسیاری از این کشورها مانند ترکیه برخلاف ایران نگاه چندان مثبتی به آمریکا ندارند و آمریکا با آگاهی به این نکات مهم و ظریف است که بازی و سیاست‌های خود را تنظیم می‌کند.

نگاهی به انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و آینده سیاست خارجی دولت پزشکیان در گفت‌وگو با کارشناسان

تهدید یا فرصت

عبدالرحمن فتح‌الهی: ۲۴ ساعت دیگر تکلیف ماراتن سیاسی چندماهه اخیر آمریکا با برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری این کشور روشن می‌شود. ماراتنی که در پایانش، سرنوشت چهار سال پیش‌روی ایالات متحده را رقم خواهد زد. تنور انتخابات ریاست‌جمهوری این روزها حسابی داغ است و نگاه همه کشورها به ایالات متحده دوخته شده تا کلیددار بعدی کاخ سفید مشخص شود. چراکه بی‌شک علاوه‌بر خود آمریکا، نتایج این انتخابات هرچه باشد می‌تواند تأثیرات مستقیم و ملموسی را روی تحولات و معادلات سایر نقاط جهان داشته باشد؛ از جنگ اوکراین گرفته تا بحران در خاورمیانه و سایر موضوعات. در این بین یکی از جدی‌ترین پرونده‌هایی که به اذعان بسیاری از تحلیلگران در گرو تعیین‌تکلیف مستأجر بعدی کاخ سفید است، مذاکرات بر زمین مانده تهران - واشنگتن، آینده تاریک برجام و تحریم‌هاست. خاصه آنکه دولت پزشکیان شعار محوری خود را روی تنش‌زدایی با غرب و آغاز مذاکرات قرار داده است. به همین دلیل نتایج انتخابات آمریکا و پیروزی کامالا هریس یا دونالد ترامپ می‌تواند به شکل غیرقابل انکاری روی تحقق این شعار اثرگذار باشد. هرچند طیفی از ناظران ادامه مسیر بایدن با کاملا هریس را سناریوی ایدئال‌تری برای اجرائی‌شدن شعار دولت چهاردهم می‌دانند، اما دوشنبه هفته گذشته بود که فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت پزشکیان، در نشست خبری خود و در پاسخ به سؤالی درباره انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا و اینکه برای جمهوری اسلامی ایران تفاوتی در پیروزی هرکدام از دو نامزد دموکرات و جمهوری‌خواه وجود دارد به شکل قاطع عنوان کرد: «البته که نه». چراکه به گفته او: «این موضوعی است که به خود مردم آمریکا مربوط است و برای ما تفاوتی نمی‌کند کدام یک از این دو نامزد (کاملا هریس یا دونالد ترامپ رأی بیاورند». مهاجرانی متذکر شد: «رویکرد ما (جمهوری اسلامی ایران)، احترام به حاکمیت ملی کشورهاست که باید وجود داشته باشد». بااین‌حال سخنگوی دولت پزشکیان ابراز امیدواری کرد: «هرکدام از این دو نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری که رأی آوردند و مورد پذیرش مردم آمریکا قرار گرفتند، سیاست‌های قبلی خود را اصلاح کنند و به حاکمیت ملی سایر کشورها احترام بگذارند و از اقدامات تنش‌آفرینی که در طول این سال‌ها شاهد آن بودیم، پرهیز کنند». مهاجرانی گفت «این سیاست (احترام آمریکا به حاکمیت دیگر کشورها) به نفع مردم آنهاست (ایالات). همان‌طورکه تاریخ نشان می‌دهد، هر زمان که آمریکا تنشی را در منطقه افزایش داده، ضرر آن مستقیما به مردم آمریکا رسیده است». در همین راستا، سخنگوی دولت چهاردهم، «به جنگ ویتنام اشاره می‌کند که به اتفاقات سنگینی در داخل آمریکا منجر شد». فارغ از آنچه فاطمه مهاجرانی به عنوان موضع رسمی دولت چهاردهم مطرح کرد، واقعا باید پرسید که سرنوشت انتخابات آمریکا و پیروزی کاملا هریس یا دونالد ترامپ چه تأثیری بر سیاست خارجی دولت نوپای تهران خواهد داشت؟ این سؤالی است که «شرق» در گفت‌وگو با برخی از دیپلمات‌ها و کارشناسان به دنبال یافتن پاسخ صریح آن است.

در گفت‌وگو با علی ماجدی عنوان شد:

حتی با ترامپ هم امکان مذاکره وجود دارد

شرق: هرچه به زمان برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا در پنجم نوامبر نزدیک‌تر می‌شویم، سایه فعل و انفعالات سیاسی و دیپلماتیک این اتفاق بر سیاست خارجی همه کشورها و ازجمله کشورمان ایران سنگین‌تر می‌شود. با این حال باید پرسید که در یک نگاه واقع‌بینانه آیا خروجی رقابت ترامپ و هریس، هرچه باشد تأثیری صددرصدی بر آینده دولت چهاردهم خواهد داشت یا خیر؟ پاسخ به این سؤال، محور گفت‌وگویی با علی ماجدی است که به بررسی دقیق‌تر آن پرداخته‌ایم. سفیر پیشین ایران در برزیل، ژاپن و آلمان در ادامه همین گپ‌وگفت، هم‌زمان به واکاوی سفرهای منطقه‌ای هفته‌های اخیر عباس عراقچی و مناسبات ایران و اروپا زیر سایه انتخابات آمریکا هم گریزی می‌زند که در ادامه مشروح آن را می‌خوانید.

●●●

جناب ماجدی در فاصله کمتر از یک هفته تا انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، چه ارزیابی‌ای از تأثیر پیروزی دونالد ترامپ یا کاملا هریس بر سیاست خارجی دولت چهاردهم دارید؟ آیا آن‌گونه که برخی معتقدند ادامه مسیر دموکرات‌ها با معاون اول جو بایدن وضعیت بهتری را برای تهران نسبت به بازگشت نامزد جمهوری‌خواهان به کاخ سفید رقم خواهد زد؟

نمی‌توان به شکل قاطع در این خصوص اظهارنظر کرد چون این نکته کلیدی را باید مدنظر قرار داد که استراتژی کلان ایالات متحده آمریکا بین دو حزب جمهوری‌خواه و دموکرات تقریبا یکسان است. به همین دلیل نمی‌توانیم بگوییم که دموکرات‌ها یک استراتژی مخصوص به خود در سیاست خارجی و مشخصا، مذاکرات با ایران دارند و جمهوری‌خواهان هم راهبرد مختص خودشان را در پیگیری روابط با تهران تعریف کرده‌اند. همان‌گونه که می‌دانید استراتژی امنیتی و استراتژی سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا یک موضوع فراحزبی است. اما مسئله اینجاست که هم‌زمان رؤسای جمهور دموکرات یا جمهوری‌خواه در عین تبعیت از این استراتژی امنیتی و سیاست خارجی، تاکتیک‌های خاص خود را پیاده می‌کنند.

با همین تفسیری که ارائه کردید، باز این سؤال را می‌پرسم که پیروزی هریس بیشتر به نفع دولت پزشکیان است؟

ببینید اگر به موضع‌گیری‌های انتخاباتی کاملا هریس درخصوص بحران خاورمیانه و جنگ یک‌ساله اخیر در غزه و لبنان رجوع کنیم، مواضع وی انسانی‌تر بوده است و قدری ملایم‌تر و منعطف‌تر از ترامپ در این رابطه حرف می‌زند. به همین دلیل نگاه و سیاست هریس در عین آنکه باید تبعیت خود را از استراتژی امنیتی و سیاست خارجی کلان آمریکا داشته باشد، انسانی‌تر است. لذا احتمالا به دلیل همین نگاه هریس در صورت پیروزی به دنبال پایان‌دادن به این جنایت‌های رژیم اسرائیل باشد. هم‌زمان نباید فراموش کنیم که دونالد ترامپ در کارنامه چهار سال دولت قبلی خود اقداماتی مانند تلاش برای تغییر پایتخت رژیم اسرائیل از تل‌آویو به بیت‌المقدس را با جابه‌جاکردن سفارت آمریکا انجام داد. پیمان ابراهیم را برای عادی‌سازی روابط بحرین و امارات و مراکش و سودان پی گرفت. اینجاست که اگر دونالد ترامپ روی کار بیاید، شاید وضعیت منطقه حساس‌تر و ملتهب‌تر شود.

با همین تحلیل شما از نگاه هریس و ترامپ نسبت به تحولات خاورمیانه چه خوانشی از سیاست این دو نامزد دموکرات و جمهوری‌خواه نسبت به مناسبات پیش‌روی واشنگتن و تهران دارید؟

با همین نگاهی که به کارنامه و مواضع دو نامزد داشتیم، دونالد ترامپ در چهار سال دولت خود از برجام خارج شد و تمام دستاوردهایی که با توافق هسته‌ای داشت به نتیجه می‌رسید را ناکام گذاشت. در ادامه سیاست فشار حداکثری و به صفر رساندن فروش نفت ایران و سایر اقدامات ضدایرانی را انجام داد. هم‌زمان موضوع فشار منطقه‌ای بر تهران را پی گرفت. به همین دلیل اگرچه در دوره جو بایدن هم مذاکراتی انجام نشد و در یک سال گذشته حمایت تام و تمامی از رژیم اسرائیل توسط آمریکا صورت گرفت، اما بایدن در قبال ایران سعی کرد انعطاف بیشتری از دونالد ترامپ نشان دهد. با این حال من معتقدم که باید سیاست‌های دونالد ترامپ را به شکل فردی و جدا از راهبردهای حزب جمهوری‌خواه تحلیل کرد.

به چه معنا؟

به این معنا که واقعا نمی‌توان در یک دسته‌بندی فردی مانند دونالد ترامپ را در چارچوب سیاست‌های جمهوری‌خواه قرار داد. چون امکان دارد او با فردگرایی‌ای که دارد، ابتکارات شخصی در حوزه‌های مختلف و حتی مذاکرات با ایران داشته باشد که شاید متفاوت و مغایر با نگاه جمهوری‌خواهان باشد. کمااینکه ترامپ در دولت قبلی خود تلاش‌هایی برای مذاکره با کره شمالی داشت و با رهبر این کشور دیدار کرد. هرچند که در نهایت این دیدارها جواب نداد. اما هم‌زمان این را هم در نظر بگیریم که موضوع توافق هسته‌ای و مذاکرات سال ۲۰۱۵، نتیجه ابتکارات دموکرات‌ها و دولت اوباما بود. به همین دلیل است که به گفته اولم باز می‌گردم و تکرار می‌کنم نمی‌توان یک ارزیابی قاطع داشت که با پیروزی کاملا هریس یا دونالد ترامپ، وضعیت مذاکرات ایران و آمریکا بهتر یا بدتر خواهد شد.

با این حال جمع‌بندی و نظر نهایی علی ماجدی چیست؟

اگر جمع‌بندی و نظر من را بخواهید، تصورم بر همان عدم قطعیت است. چون از یک طرف حتی فردی مانند دونالد ترامپ اهل ریسک است. لذا می‌توان با او هم وارد مذاکره شد و به نتیجه رسید. هرچند که نمی‌توان اعتماد تام و تمامی به دونالد ترامپ و گفته‌هایش داشت. از طرف دیگر چون برجام ابتکار دموکرات‌ها در دوره اوباما بود و جو بایدن هم معاون اول اوباما بود و در دوره ریاست‌جمهوری خود بایدن هم علی‌رغم ناکامی، واقعا به دنبال احیای توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ بود، لذا تصورم بر این است که زمینه بهتری برای مذاکرات در صورت پیروزی کاملا هریس وجود دارد. البته دوباره یادآوری می‌کنم که دونالد ترامپ یک تفاوت جدی با کاملا هریس، باراک اوباما و جو بایدن دارد و اینکه او فردی مقید به سیاست‌های حزب جمهوری‌خواه نیست و می‌تواند تکرو عمل کند. در صورتی که کاملا هریس، باراک اوباما و جو بایدن کاملا به سیاست‌ها و راهبردهای حزب دموکرات

مقید هستند و اصطلاحا حزبی تلقی می‌شوند. لذا امکان دارد که دونالد ترامپ جدا از نگاه حزب جمهوری‌خواه بخواهد ابتکارات شخصی را در مذاکرات با ایران داشته باشد و مسیر بهتری را برای دولت پزشکیان باز کند. لذا چون نمی‌توان به شکل قاطع در مورد نتایج انتخابات آمریکا و تأثیر پیروزی هریس یا ترامپ بر وضعیت مذاکرات سخن گفت، اتفاقا باید نگاه به داخل داشت. به این معنا که دولت پزشکیان و ساختار تصمیم‌گیر در جمهوری اسلامی ایران برای هر دو سناریو آمادگی داشته باشد. از طرف دیگر باید ویژگی‌های شخصی هر دو نامزد یعنی کاملا هریس و دونالد ترامپ را به دقت زیر نظر گرفت. ترامپ با نگاهی تجاری و اقتصادی، برخورد دیگری با سیاست خارجی دارد و فردی‌تر از دیگران عمل می‌کند. لذا امکان دارد جدا از راهبرد جمهوری‌خواه عمل کند. در صورتی که کاملا هریس یک چهره حزبی است، اما به واسطه نگاه حزب دموکرات، شاید انعطاف بیشتری داشته باشد. با این حال این نکته را درباره کاملا هریس باید در نظر بگیریم که در کل باید مجموعه حزب دموکرات درخصوص پرونده‌ای مانند موضوع مذاکرات با ایران تصمیم بگیرد.

بر این نکته تأکید داشتید که دونالد ترامپ فردی‌تر از کاملا هریس عمل خواهد کرد و امکان دارد ابتکارات شخصی برای مذاکرات با تهران داشته باشد. فارغ از موضع‌گیری‌های سینوسی ترامپ در انتخابات که گاهی له و گاهی علیه ایران سخن می‌گوید، آیا در نهایت با پیروزی محتمل دونالد ترامپ و آن کارنامه چهار سال دولت قبلی‌اش، امکان تغییر رفتار وی و تجربه‌گیری از شکست‌های قبلی وجود دارد؟

اساس نگاه دونالد ترامپ یک نگاه تجاری و اقتصادی است و نگاه متفاوتی به عالم سیاست خارجی و دیپلماسی دارد و با همین نگاه هم توجیهی برای خروج از برجام داشت. به همین دلیل من معتقدم اگر دونالد ترامپ رئیس‌جمهور شود، دوباره همان نگاه مشابه را درخصوص مذاکرات با ایران خواهد داشت. با چنین برداشتی تصور من این است که اتفاقا اگر می‌خواهیم مذاکرات به نتیجه برسد، باید از تجربه خروج از برجام درس بگیریم.

چرا؟

چون آن زمان می‌توانستیم با ادامه مذاکرات و تعریف منافع مشترک اقتصادی برای آمریکا، مانع از خروج ترامپ از توافق شویم. اکنون هم واقعا باید چنین موضوعی در دستور کار قرار بگیرد و به دنبال آن باشیم که منافع مشترک اقتصادی در توافق جدید با آمریکا گنجانده شود. چون همان زمان ترامپ عنوان کرده بود که چرا باید کشورهای اروپایی با توافق هسته‌ای به منافع تجاری با ایران دست پیدا کنند، اما آمریکا از آن محروم باشد. لذا واقعا باید آمریکا هم مانند سایر کشورهای اروپایی، روسیه، چین و... بتواند در یک فرصت برابر و عادلانه در همه حوزه‌های ایران سرمایه‌گذاری کند و روابط تجاری و اقتصادی داشته باشد. با آن ارزیابی شخصی و فردی ترامپ می‌توان با تعریف مناسبات مشترک تجاری، فرصت و بستری را برای حصول توافق جدید، حتی با پیروزی نامزد جمهوری‌خواه داشت.

در شرایطی که منتظر برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا هستیم، وضعیت مناسبات تهران و قاره سبز هم مثبت ارزیابی نمی‌شود. در کنار تحریم شرکت‌های هواپیمایی، سایر موضوعات باعث شده است که مناسبات ما با کشورهای کلیدی اتحادیه اروپا با چالش همراه شود که در جدیدترین مورد شاهد فراخواندن سفیر آلمان از تهران توسط برلین و تعطیلی کنسولگری‌های ایران در مونیخ، فرانکفورت و هامبورگ بودیم. به عنوان فردی که در کارنامه دیپلماتیک خود، سفیر جمهوری اسلامی ایران در آلمان بوده‌اید، آیا می‌توان بدون تنش‌زدایی در روابط با اروپا به فکر انجام مذاکرات با آمریکا بود؟

هرچند که بدون شک بازیگر کلیدی در مذاکرات ایران با ۵+۱، آمریکاست، اما این را هم باید در نظر بگیریم که باید روابط ما با اروپایی‌ها هم هرچه سریع‌تر در مسیر درست قرار بگیرد. شما به آلمان اشاره کردید. فراموش نکنیم که در سال‌های بعد از برجام این آلمان بود که به عنوان تعدیل‌کننده، منعطف‌کننده و تلطیف‌کننده مواضع سایر کشورها و به‌خصوص فرانسه و انگلستان در برابر ایران عمل می‌کرد. به همین دلیل فارغ از مسئله انتخابات آمریکا و اینکه کاملا هریس یا دونالد ترامپ پیروز شود و چه سرنوشتی برای مذاکرات تهران و واشنگتن رقم بخورد، باید به فوریت فکری برای تنش‌زدایی و بهبود روابط با اروپایی‌ها کرد و یک بازبینی و بازنگری اساسی در مناسبات با آلمان داشت. با توجه به شناختی که از آلمان دارم و تجربه حضور شرکت‌های آلمانی در ایران، اتفاقا اگر مناسبات ایران و آلمان بهبود پیدا کند، روابط تهران - برلین می‌تواند یک الگوی بسیار مناسب برای دیگر کشورها باشد.

با این حال تمرکز دولت بر تور دیپلماتیک منطقه‌ای را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

اتفاقا این سفرهای منطقه‌ای هفته‌های اخیر آقای عراقچی را جایز می‌دانم. چراکه به سود ارتقای روابط دوجانبه و پیرامونی ایران است. اما اگر بخواهیم یک نگاه کلان‌تر و هدف بزرگ‌تر داشته باشیم که لغو تحریم‌ها و بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم است، باید تنش‌زدایی با اروپا و مذاکرات با آمریکا در اولویت قرار بگیرد. من دوباره به مصاحبه قبلی خودم با روزنامه «شرق» بازمی‌گردم که عنوان کردم ما نباید تحت تأثیر تحولات منطقه و سیاست‌های جنگ‌افروزانه فردی مانند نتانیاهو قرار بگیریم و سیاست خارجی را دچار یک روزمرگی کنیم. ما باید هرچه سریع‌تر باب مذاکره با غرب را باز کنیم. قطعا نگاه همه‌جانبه و سیاست متوازن، چه در قبال همسایگان، چه در قبال روسیه و چین، چه در قبال اروپا و حتی آمریکا کاملا درست و کلیدی است. اما در عین حال فراموش نکنیم که منطقه خاورمیانه بدون نقش‌آفرینی روسیه، چین، اروپا و آمریکا، توانی برای نقش‌آفرینی ندارد. لذا «منطقه منهای بازیگران فرامنطقه‌ای»، نگاه واقع‌بینانه‌ای نیست. با این حال دوباره تأکید می‌کنم که تور دیپلماتیک آقای عراقچی گام خوبی برای ارتقای روابط پیرامونی و دوجانبه با کشورهای همسایه است، اما جا دارد نگاه و حوزه عمل را به اولویت‌های جدی‌تر در قالب مذاکره با غرب ببریم.

یادداشت

هماهنگی دیپلماسی و میدان ایران‌هراسی را بی‌اثر کرد

سیدمحمد حسینی
سفیر سابق جمهوری اسلامی ایران در عربستان سعودی

پیشبرد سیاست همسایگی چه در گذشته و چه اکنون، با موانع سیستمیک، منطقه‌ای و ملی مواجه بوده است. یکی از موانع عمده، تعارضات ناخواسته میان نقش ایران در جبهه مقاومت و نقش ایران در پیشبرد سیاست همسایگی بوده است. سیاست منطقه‌ای ایران در سال‌های گذشته با دو اتهام شامل تلاش برای ایجاد «هلال شیعی» و «صفویه‌گرایی» از سوی دشمنان مواجه بود. از سوی دیگر پدیده «ایران‌هراسی» از سوی برخی از رسانه‌های معاند ترویج می‌شده است. سوخت این اتهامات و جریانات خصمانه رسانه‌ای نیز حمایت ایران از جبهه مقاومت در منطقه بود. آنها حمایت ایران از گروه‌های مقاومت را مستند می‌کردند که ببینید «ایران به دنبال احیای امپراتوری صفویه است و مبارزه با اسرائیل تنها بهانه‌ای برای بسط جغرافیای استراتژیک ایران در مختصات دولت شیعه صفوی است». مجموعه کنش‌های اجتناب‌ناپذیر و ضروری ایران در جبهه مقاومت و تبلیغات منفی علیه سیاست منطقه‌ای ایران باعث شده بود تا سیاست همسایگی ایران نیز از سوی برخی از همسایگان «باورپذیر» نباشد و تعاملات ایران در رابطه با همسایگان حمل بر چیزهایی دیگر از قبیل فرار از تنگنای تحریم، تلاش برای نفوذ و حتی مداخله در امور داخلی تفسیر شود. ازآنجاکه «اعتمادسازی»، مرحله نهایی و میوه سیاست همسایگی است، اتهامات یادشده علیه سیاست منطقه‌ای ایران به فرایند اعتمادسازی ضربه مستقیم وارد می‌کرد. جمهوری اسلامی ایران نیز در قالب سیاست خود تلاش می‌کرد بین کارکرد ایران در جبهه مقاومت با کارکرد ایران در رابطه با همسایگان تفکیک قائل شود، بلکه آنها را مقوم یکدیگر نشان دهد. دیپلماسی ایران استدلال می‌کرد که توان دفاعی ایران بازدارندگی و در راستای حفظ ثبات و امنیت منطقه و مقابله با توسعه‌طلبی رژیم صهیونیستی است. ایران تلاش می‌کرد نشان دهد در قبال آمریکا و اسرائیل منطقی رئالیستی دارد اما درباره همسایگان منطقی ایدئالیستی را دنبال می‌کند. فعال‌شدن تعارض جبهه مقاومت با رژیم صهیونیستی پس از ۷ اکتبر و مجموعه زدوخوردهایی که میان ایران و رژیم صهیونیستی به وجود آمد، وجوه مثبت و منفی فراوانی داشت. یکی از وجوه مثبت آن باورپذیری کشورهای همسایه از استراتژی دفاعی ایران در ابعاد نظامی بود. منطق بازدارندگی حاکم بر عملیات وعده صادق یک و دو و نیز دیپلماسی هوشمندانه دستگاه دیپلماسی کشور (به‌ویژه سفرهای فشرده و مؤثر دکتر عراقچی) در یک هم‌افزایی دقیق این پیام را به کشورهای همسایه و منطقه ارائه داد که قدرت نظامی ایران، بازدارنده و دفاعی است. ایران به دنبال توسعه جنگ نیست ولی قاطعانه از حاکمیت ملی و تمامیت ارضی خود دفاع می‌کند. این صحنه پیش‌روی کشورهای همسایه و منطقه قرار گرفت و نشان داد که جمهوری اسلامی ایران چگونه از سوی صهیونیست‌ها تهدید نظامی شد و چگونه به این تهدیدها با منطق بازدارندگی پاسخ قاطع داد. محکومیت حمله صهیونیست‌ها به ایران از سوی کشورهای عربی به‌ویژه عربستان و مصر و اذعان دولت ترکیه مبنی بر اینکه ایران در قبال تجاوز رژیم صهیونیستی به سرزمین‌هایش حق پاسخ دارد، علامت مهمی از باورپذیری کشورهای همسایه و عربی از دفاعی‌بودن توان نظامی ایران است که به‌شدت پیشبرد سیاست همسایگی را تسهیل می‌کند. بنابراین نحوه مواجهه ایران با آمریکا و رژیم صهیونیستی به کشورهای همسایه اثبات کرد که: ۱) ایران آغازگر جنگ علیه کشورهای منطقه نخواهد بود و استراتژی نظامی‌اش بازدارندگی و دفاعی است. ۲) ایران داوطلبانه در راستای حفظ امنیت جمعی منطقه و منافع عمومی امت اسلامی وارد عمل می‌شود. ۳) تعارضی میان کنش نظامی ایران در جبهه مقاومت با سیاست همسایگی ایران نیست، بلکه این دو با یکدیگر هم‌افزا هستند. ۴) ایران در قبال قدرت‌های مداخله‌گر دارای منطق رئالیستی و در قبال کشورهای مسلمان و همسایه منطق ایدئالیستی دارد. ۵) هلال شیعی، صفویه‌گرایی و ایران‌هراسی، افسانه‌های رسانه‌های غربی هستند و پا در واقعیت ندارند.